

شیاطین داوینچی - دیوید اس گویر- ۲۰۱۵
داوینچی (تام رابلی) هر چیزی که تو زندگیم به دست آوردم به خاطر مبارزه‌هایی بوده که براش کردم... راه دیگه‌ای نمی‌شناسم!

دغدغه‌های طبیعی

صدقات، سنت و فرهنگ

در خبرها بود که یک چشم‌پزشک کیلانی ۴۰۰ میلیارد تومان به سیستم سلامت اهدا کرده است. اولین سؤالی که به ذهن می‌آید اینکه چرا این‌گونه اخبار را خیلی کم می‌شنویم؟ چرا اهدای امکانات و صدقات به سیستم سلامت این‌قدر کم شده است؟ آن هم درحالی‌که شاهدیم تجمع سرمایه‌های کلان به موازات سقوط هر چه بیشتر طبقه متوسط بیشتر و بیشتر جریان دارد. چرا صاحبان سرمایه و امکانات، بخشی از سرمایه‌های خود را همچون گذشته وقف سیستم سلامت نمی‌کنند؟ بیمارستان آموزشی‌ای که سال‌های طولانی است من در آن مشغول به کار هستم اساسا به نام فردی است که بیش از نیم‌قرن پیش سرمایه خود را برای ساخت آن اهدا کرد. بیمارستان‌های دیگری هم در شهر به همین ترتیب به نام افراد هستند اما در بسیاری بیمارستان‌ها و مراکز درمانی هم همه می‌دانند افرادی صاحب‌نفوذ و قدرتمند ضمن اهدای زمین و امکانات برای جلب سایر امکانات و مجوزهای دولتی هم پشت بسیاری از بیمارستان‌های موجود در شهر تهران بوده‌اند. نام‌هایی که هنوز بعد از ده‌ها سال وقتی نام آن بیمارستان‌ها برده می‌شود، نام آن افراد هم به ذهن می‌آید. در سیستم سلامت بین‌المللی بخشی از منابع مالی سلامت توسط نهادهای خیریه و مذهبی تأمین می‌شود. بسیاری از فرق مذهبی بقای نام و تقدس خود را در تلاش برای تأسیس و تأمین یک بیمارستان یا مرکز درمانی می‌یابند. بیمارسان توانبخشی سانتا لوجیا به‌عنوان بزرگ‌ترین مرکز توانبخشی اروپا که من بازدید کردم و بسیاری مراکز دیگر در اروپا توسط واتیکان تأمین مالی می‌شوند. اما چرا این روند از چنده سال پیش در کشور ما متوقف یا بسیار کند شده است؟ چرا تنها بیمارستان بزرگی که به شکل مغز در شمال تهران ساخته شده و نام افراد بزرگی را به ذهن می‌آورد، سال‌هاست کنار موش و سوسک شده است؟ بی‌تردید این جابه‌جایی در اذهان عمومی دلالی عینی دارد که باید به آنها توجه کرد و آنها را کاوید؛ به‌خصوص در زمانی که سیستم سلامت کشور به‌شدت از کمبود منابع مالی در تنگناست. - در سال‌های گذشته این تلقی که سیستم سلامت جزئی از خدمات دولتی است که دولت باید به رایگان در اختیار همه بگذارد، این موضوع را که خدمات سلامت چه به شکل خصوصی و چه به شکل عمومی نیازمند هزینه‌هایی است که باید از منابعی تأمین شود از اذهان عمومی دور کرد.

- گسترش شبه‌علم به‌جای دانش پزشکی هم از اهمیت تخصیص سرمایه برای سلامت در اذهان عموم می‌کاهد. در نظرگاه عوام (که بخش فزاینده‌ای از مسئولان هم در آن اشتراک دارند) وقتی درمان سخت‌ترین بیماری‌ها- با نوعی رژیم‌های غذایی و داروهای گیاهی قابل‌علاج است، چه نیازی است به این همه هزینه و مکان و دردسر. - «وقتی پزشکی مدرن که توسط گروهی سودجو به نام پزشک اعمال می‌شود، باعث زحمت و عوارض شیمیایی مختلف و اعتیاد به این داروهای مضر می‌شود، راستی چرا باید سرمایه‌ای را که از طرق دیگر می‌تواند آخرت را تأمین کند، به این کار اختصاص داد و عموم مردم را به دردسر انداخت؟!»، مقصود آنکه تلقی عمومی از پیچیدگی‌های تکنولوژی مدرن پزشکی بی‌تردید بر اختصاص منابع مالی به کار سلامت مؤثر می‌افتد. - عامل دیگر شاید برآمدن صاحبان سرمایه جدیدی باشد که به سنت‌های اشرافیت و فروتمندی آشنا نیستند. با وجود امکانات مالی‌ای که با سرعت زیاد و گاه با زحمات اندک فراهم آمده‌اند، ذهنیات در همان ذهنیات خرده‌سرمایه‌دارانه قدیم که بر هزینه قطع نظر از درآمد متمرکز شده است، درجا می‌زنند. صدقات و مبرات خود را هم با انجام نمی‌دهند یا به همان اشکال نامدین و سنتی سابق انجام می‌دهند و به‌خصوص آن گروه نوسرمایه‌دارانی که به اقشار سنتی تعلق دارند و در سال‌های اخیر تعدادشان رو به فزونی است، قطع نظر از عدم درک مسئولیت سرمایه‌داری و سرمایه داشتن در قبال مردم، به دلایل پیش گفته و ناباوری نسبت به دانش طب هم از تخصیص منابع سر باز می‌زنند.

- نبود سازمان‌ها و انجمن‌های مردم‌نهاد حمایت از بیماران هم

که پیگیر سرمایه‌گذاری‌های «کلان» در سیستم سلامت باشند، یکی دیگر از دلایل است. حالا می‌توان دریافت چرا تنها یک چشم‌پزشک، سرمایه قابل‌توجهی را به سلامت اختصاص داده است. صدقات کلان در سیستم سلامت نیازمند درک و فرهنگ بالاتری است.

«سلتیک که به زمین می‌رود، این تاریخ است که پیکار می‌کند»

و همه ماجرا شاید در همین شعاری خلاصه شود که هواداران

سلتیک در استادیوم «سلتیک‌پارک» فریاد می‌زنند؛ حتی در همین

بازی شنبه هفته گذشته خود که سنت آیینی همه ادوار خود را به

جا آوردند و با پرچم‌های فلسطین روی سکوها نشستند.

تاریخ باشگاه سلتیک چیزی است که هوادارانش به آن می‌بالند

و این بالیدن را در ورزشگاه همخوانی می‌کنند: «اگر تاریخ‌ت را

بدانی، قلبت را گرو می‌گذاری»، در واقع اگر در تاریخچه هواداری

یک باشگاه، چیزی برای افتخار جست‌وجو کنیم، هواداران سلتیک

چیزهای زیادی برای بالیدن دارند: ایستادن همیشگی در کنار مردم

تحت ستم قرارگرفته که حمایت هواداران این باشگاه از مردم

فلسطین بخش مهمی از آن است. حمایت هواداران سلتیک از

مردم فلسطین به سرنوشت مشابه اجداد آنها سلت‌ها یا کلت‌ها

با فلسطینیان رانده‌شده از سرزمین‌شان بازمی‌گردد؛ قومی که

بر اثر سیاست‌های نژادپرستانه امپراتوری بریتانیا (که بیش از یک

میلیون کشته از اقوام سلت به جا گذاشت)، از زادگاه خود

-ایرلند- رانده و برای فرار از گرسنگی -و البته در پی سیاست‌های

بریتانیا در سلب مالکیت از آنها- در سراسر جهان پراکنده شدند

«سلتیک که به زمین می‌رود، این تاریخ است که پیکار می‌کند»

و همه ماجرا شاید در همین شعاری خلاصه شود که هواداران

سلتیک در استادیوم «سلتیک‌پارک» فریاد می‌زنند؛ حتی در همین

بازی شنبه هفته گذشته خود که سنت آیینی همه ادوار خود را به

جا آوردند و با پرچم‌های فلسطین روی سکوها نشستند.

تاریخ باشگاه سلتیک چیزی است که هوادارانش به آن می‌بالند

و این بالیدن را در ورزشگاه همخوانی می‌کنند: «اگر تاریخ‌ت را

بدانی، قلبت را گرو می‌گذاری»، در واقع اگر در تاریخچه هواداری

یک باشگاه، چیزی برای افتخار جست‌وجو کنیم، هواداران سلتیک

چیزهای زیادی برای بالیدن دارند: ایستادن همیشگی در کنار مردم

تحت ستم قرارگرفته که حمایت هواداران این باشگاه از مردم

فلسطین بخش مهمی از آن است. حمایت هواداران سلتیک از

مردم فلسطین به سرنوشت مشابه اجداد آنها سلت‌ها یا کلت‌ها

با فلسطینیان رانده‌شده از سرزمین‌شان بازمی‌گردد؛ قومی که

بر اثر سیاست‌های نژادپرستانه امپراتوری بریتانیا (که بیش از یک

میلیون کشته از اقوام سلت به جا گذاشت)، از زادگاه خود

-ایرلند- رانده و برای فرار از گرسنگی -و البته در پی سیاست‌های

بریتانیا در سلب مالکیت از آنها- در سراسر جهان پراکنده شدند

شبکه‌خوانی

کابوس سلاخی شدن مهرجویی واقعی شد

شوک قتل وحشتناک و خشونت‌آمیز داریوش مهرجویی و همسرش «وحیده محمدی‌فر» از نیمه‌شب شنبه ۲۲ مهر آغاز شد و تا لحظات نوشتن این خبر هر لحظه بیشتر و بیشتر می‌شود. نحوه قتل داریوش مهرجویی که خود معنای سینمای ایران است و نامش با ساخت فیلم‌های تأثیرگذار همراه است، اینک در کنار کلمه قتل آمده است. برخی از سینماگران در بهت و حیرت این اتفاق آرزو می‌کردند که کاش ستون سینمای ایران با سکنه یا بیماری از دنیا می‌رفت و چنین کشته نمی‌شد. برخی این پایان را با یکی از دیالوگ‌های حمید هامون مقایسه کردند که می‌گفت: «خواب دیدم در یک سردابه قرون وسطایی سلاخی می‌شوم» حالا این اتفاق رخ داده است. البته تعدادی دیگر نیز به فیلم «خوک» مانی حقیقی که در آن کارگردانی با چاقو به قتل می‌رسد اشاره می‌کردند. برخی خطاب به مهرجویی می‌گفتند پایان زندگانی شبیه پایان فیلم‌های «مسعود کیمیایی» است، نه مانند فیلم‌ها خودتان. در همان لحظات اول «حامد بهداد» و «امین حیایی» که در شهرک غزالی مشغول فیلم‌برداری بودند، خود را به آتجا رساندند. اکثر سینماگران در ساعات اولیه اطلاع از این اتفاق از بهت و حیرت و غم خود نوشتند. صفحه اینستاگرام شفیعی‌دکنکی شعری را منتشر کرد که با این جمله پایان می‌یافت: «زنده موندن خیلی جرئت می‌خواهد». هانیه توسلی کوتاه نوشت: «ما خیلی بدبختیم» و رضا کیانیان نوشت: «اشک چشمانمان خشک شده. باید خون گریه کنیم. او یک خصلت برجسته داشت. کار می‌کرد. فیلم می‌ساخت. تا آخرین قطره جانش». هرکس به‌نوعی می‌خواست در این اندوه شرکت کند. برخی دیگر نیز مدام درباره دلیل و علت این قتل فبیج در ویلا شماره ۱۴ نظریه‌پردازی می‌کردند. قتلی که در ابتدا با سربری توصیف شده بود، اما بعد تکذیب شد. از همان لحظات اولیه، اسکرین‌شات‌ی از نوشته اینستاگرام وحیده محمدی‌فر مورد توجه قرار گرفته بود که از جمله چند دزد به خانه‌شان و درخواست کمکش نوشته بود. این پست سبب شد تا بسیاری درباره ماهیت افغانستانی‌بودن قاتل یا دزدها سخن بگویند و برخی نوشته‌ها و تفکرات ضدهماجرپذیری که در این روزها بسیار دیده و شنیده می‌شود، دوباره مطرح شود. دیروز البته هم‌زمان گفت‌وگویی با اعتماد هم از او منتشر شد که درباره دزدیدن ستور علی ستوری بود. هم‌زمانی انتشار این گفت‌وگو با انتشار اخبار قتل باعث شد تا بهروز بهزادی مدیرمسئول روزنامه اعتماد به ایسنا توضیح دهد



را در سلتیک‌پارک به اهتزاز درآوردیم و جریمه‌اش را هم دادیم. اکنون بیش از هر زمان دیگری مردم فلسطین نیاز به همبستگی ما دارند». این اِشاره، به یک واقعه به‌یادماندنی در تاریخ باشگاه سلتیک بازمی‌گشت؛ وقتی که قرار بود این تیم در یکی از دیدارهای مرحله پلی‌آف لیگ قهرمانان اروپا در برابر هاپولت شیوا، نماینده اسرائیل، به میدان برود. هواداران سلتیک قبل از بازی کمیپینی را شکل دادند که شعار آن این بود «با پرچم فلسطین به ورزشکار بیاید». یوفا (اتحادیه فوتبال اروپا) پیش از بازی تهدید کرد که این اقدام با جریمه سنگین روبه‌رو خواهد شد و دولت اسکانلند نیز هشدار داد که اجازه ورود پرچم فلسطین به ورزشگاه را نخواهد داد و کسانی را که پرچم فلسطین به همراه داشته باشند، دستگیر خواهد کرد.

اما نتیجه حیرت‌آور بود. در روز بازی تماشاگران پرچم‌های فلسطین را که با وجود کنترل سخت‌گیرانه پلیس اسکانلند و با وجود درگیری‌های پلیس با هواداران در اطراف ورزشگاه به داخل آورده بودند، تمام مدت در دست داشتند و در طول بازی آنها را به اهتزاز درآوردند. نمایشی از اتحاد و همبستگی با ملت فلسطین که در شبکه‌های مختلف تلویزیونی، مستقیما پخش شد. ادامه این ماجرا هم شگفت‌انگیز بود: یوفا، باشگاه سلتیک را -طبق وعده‌ای که داده بود- ۱۰ هزار پوند جریمه کرد. باشگاه هواداران تیم سلتیک برای جمع‌آوری این مبلغ فراخوان داد و در عرض ۲۴ ساعت مبلغ ۱۳۰ هزار پوند جمع‌آوری و به یک بمب خبری در محافل ورزشی و سیاسی بدل شد. باشگاه سلتیک جریمه یوفا را پرداخت کرد و باقیی مبلغ جمع‌آوری‌شده را به ساخت یک مجموعه ورزشی در کرانه باختری و همچنین کمک‌های پزشکی و فرهنگی به یک اردوگاه آوارگان در بیت‌لحم اختصاص داد. این ماجرا سرورصدای بسیاری ایجاد کرد تا جایی که حتی راجر واترز، خواننده مشهور بینک فلوید، حمایت هواداران سلتیک را ستود و پس از آن از تصاویر پرچم‌های فلسطین در کنسرت‌های مختلفش استفاده کرد که بسیاری از آنها تصویر پرچم‌هایی بود که هواداران



● کاهش بارندگی‌ها و خشک‌سالی باعث شده است تا حجم ذخیره آب سد بارزو شهرستان شیریان در استان خراسان شمالی به‌شدت کاهش یابد. طبق نتایج حاصل از هیدروگرافی مخزن سد، با توجه به انباشت رسوبات از ۹۲میلیون مترمکعب به ۸۷میلیون مترمکعب کاهش یافته است. عکس: مریم داورنیا، مهر

سلتیک در ورزشگاه «سلتیک‌پارک» در بازی‌های مختلف به اهتزاز درآورده بودند.

اهتزاز پرچم فلسطین در بازی سلتیک با تیم هاپولت شیوا شاید پربازتاب‌ترین حمایت هواداران سلتیک از مردم فلسطین باشد؛ اما تنها مورد نبود.

باشگاه سلتیک تاکنون بیش از ۹ بار به خاطر حمایت هوادارانش از مردم فلسطین با جریمه و محرومیت روبه‌رو شده است؛ اما بازی شنبه هفته گذشته این تیم مقابل تیم کیلمارنوک که زیر پرچم‌های فلسطین و بنرهای حمایت‌آمیز از مردم محصور غزه برگزار شد، نشان داد که این جریمه و محرومیت‌ها، خللی در حمایت هواداران این تیم از مردمان فلسطین وارد نکرده است. به‌ویژه آنکه سلتیک قرار است ۲۵ اکتبر (سوم آبان) مقابل اتلتیکو مادرید به میدان برود و کانون هواداران سلتیک پیشاپیش از تماشاگران این بازی خواسته است که در این بازی هم پرچم فلسطین را به اهتزاز درآورند تا «به دنیا نشان دهند که باشگاه فوتبال سلتیک در کنار مظلومان است نه ظالمان».

ترانه «تو تنها گام برنخواهی داشت» را سال‌هاست هواداران سلتیک در ورزشگاه ۱۳۴ساله «سلتیک‌پارک» همخوانی می‌کنند؛ ترانه‌ای که برای اولین بار در سال ۱۹۴۵ اجرا شد و بعدها خوانندگانی مانند فرانک سیناترا، الویس پریسلی، اندی ویلیامز و کریس دی‌برگ آن را بازخوانی کردند و هواداران باشگاه‌هایی مثل لیورپول هم -بعد از سلتیک- آن را در ورزشگاه همخوانی کردند؛ ترانه‌ای که می‌توان آن را مانیفست حمایت هواداران سلتیک از جوامع تحت ستم دانست:

«هنگامی که در توفان راه می‌روی، سرت را بالا بگیر، از تاریکی تترس، در میان باد گام بردار، در میان باران گام بردار، هرچند که رویاهایت از شهر گسسته باشد، با آمیدی که در قلبت هست، گام بردار، تو هیچ‌گاه تنها گام برنخواهی داشت».

❖ **نام این مطلب برگرفته از کتابی است به همین نام نوشته سایمون کوپر و ترجمه عادل فردوسی پور**

خبرخوانی

دور دنیا در یک دقیقه

❖ **سحر طلوعی**؛ ما هر روز به چهار گوشه جهان سر می‌زنیم و خبرهایی را که کمتر دیده شده است، مرور می‌کنیم.

❖ **آمریکا**؛ پس از اوج‌گرفتن درگیری‌های حماس و اسرائیل، ایالات متحده آمریکا دومین ناو هواپیمابر خود را به مدیترانه اعزام کرده است. وزیر دفاع آمریکا می‌گوید تعهد واشنگتن به حفظ امنیت اسرائیل آهنین است و این ناو با هدف جلوگیری از هرگونه اقدام خصمانه علیه اسرائیل در منطقه حاضر شده است. ایالات متحده تسلیحاتی برای اسرائیل ارسال کرده و به دیگر کشورها هشدار داده درگیری را تشدید نکنند. یک هفته از حمله حماس به اسرائیل و حمله متقابل اسرائیلی‌ها به غزه می‌گذرد.

❖ **بریتانیا**؛ گروه معترض فلسطینی به ساختمان بی‌بی‌سی رنگ قرمز پاشیده است. این گروه مسئولیت کارش را بر عهده گرفته است. آنها در اعتراض به پوشش خبری حمله حماس به اسرائیل، ساختمان را به رنگ قرمز درآورده‌اند. این گروه معتقد است نشان‌دادن تصاویر حمله حماس مسیر را برای حمله اسرائیل باز کرده است. این گروه فلسطینی معتقد است دست بی‌بی‌سی با توجه حملات اسرائیل به غزه و مواضع فلسطینی‌ها به خون این شهروندان آلوده است. همچنین دانشمندان بریتانیایی دنبال راهی می‌گردند تا از شر خرنک‌های دستکش‌دار چینی خلاص شوند. این خرنک‌ها از گونه‌های خارجی و مهاجم در بریتانیا به شمار می‌روند، افزایش جمعیت و مدیریت‌نکردن آنها باعث نگرانی محققان و کارشناسان شده است. دانشمندان پروژه‌ای با نام «آنها ما را خارج از خانه و کاشانه‌مان قورت می‌دهند» کلید زده‌اند. این خرنک‌ها از یک بشقاب معمولی بزرگ‌تر می‌شوند و گونه‌های بومی بریتانیا را از بین می‌برند.

❖ **هند**؛ کشوری که تاکنون میزان المپیک نداشته، از آرزوی خود برای برگزاری المپیک تابستانی ۲۰۳۴ گفته است. نخست‌وزیر هند در افتتاحیه نشست کمیته بین‌المللی المپیک از این آرزو پرده برداشته است. هندی‌ها سال ۲۰۱۰ از مسابقات کشورهای مشترک‌المنافع میزبانی کردند که با حجم انبوه اعتراض ورزشکاران مواجه شدند. ورزشکاران بریتانیا، کانادا و استرالیا از کمبود و نبود امکانات بهداشتی در دهکده بازی‌ها شکی بودند. **آلمان**؛ اتفاقی که روزانه در خطوط ریلی آلمان رخ می‌دهد، حوصله شهروندان را سر برده و به موضوعی تکراری تبدیل شده است؛ تاخیر ۱۰دقیقه‌ای و گاهی هم ماجرا به ساعت می‌کشد! موضوع به قدری تکراری است که کسی دیگر به آن اشاره نمی‌کند. راه‌آهن ملی آلمان زمانی نشان غرور ملی بوده است، اما حالا مایه شرم و خجالت شهروندان آلمانی است. کمبود کارمند متاثر از پشت سر گذاشتن پاندمی، خرابی‌های روزمره در خطوط و واکا، سه‌مایه‌گذاری اندک در صنعت ریلی و به‌طور کلی رکود اقتصادی تأثیر خود را نشان می‌دهد.